

هندوپارتیان و برآمدن ساسانیان

تألیف:

رضا کلانی

www.ketab.ir



انتشارات طهوری
تهران ۱۴۰۱

- سرشناسه : کلانی، رضا، ۱۳۶۱ -
 عنوان و نام پدیدآور : هندوپارتیان و برآمدن ساسانیان/ تألیف رضا کلانی.
 مشخصات نشر : تهران: طهوری، ۱۴۰۱.
 مشخصات ظاهری : ۴۶۹ ص. مصور، جدول.
 شابک : 978-600-5911-60-2
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت : ص.ع. به انگلیسی: Reza Kalani. Indo-Parthians and the rise of Sasanians.
 یادداشت : کتابنامه: ص. [۴۰۹] - ۴۳۵.
 یادداشت : نمایه.
 موضوع : ایران -- تاریخ -- اشکانیان، ۲۴۹ ق.م. - ۲۲۶ م.
 Iran -- History -- Parthians, 249 B. C.- 226 A. D.
 ایران -- تاریخ -- ساسانیان، ۲۲۶ - ۶۵۱ م.
 Iran -- History -- Sassanids, 226-651
 ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام
 To 633 -- Iran -- History
 هند -- تاریخ -- ۳۲۴ ق.م. - ۱۰۰۰ م.
 B.C. - 1000 A.D.324—India—History
 DSR۳۳۳
 رده بندی کنگره : ۹۵۵۱۰۶
 رده بندی دیویی : ۸۳۵۱
 شماره کتابشناسی ملی : ۸۳۵۱
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



انتشارات طهوری

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه نوروز، شماره ۲۴- صندوق پستی ۱۶۴۸ - ۱۳۱۴۵

تلفن: ۰۹۱۲ ۲۲ ۵۱۲۰۶-۶۶ ۴۶ ۴۸ ۲۶

www.tahooribooks.ir



هندوپارتیان و برآمدن ساسانیان

تألیف: رضا کلانی

چاپ نخست: ۱۴۰۱

شمارگان: ۲۲۰ جلد

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۱۱-۶۰-۲ ISBN 978-600-5911-60-2

حقوق چاپ و نشر محفوظ است.



انتشارات طهوری

هندوپارتیان

۲,۲۰۰,۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

۱۱	درآمد
۲۱	فصل اول: منابع تاریخ هندوپارتیان و روش نشان‌شناسانه
۲۵	منابع مکتوب
۲۵	زندگی بلیناس حکیم (آپولونیوس تیانی)
۲۶	رهنامه دریای ارتره
۲۷	جغرافیای بطلمیوس
۲۷	اعمال توما
۳۱	تاریخ سیستان
۳۲	منابع چینی
۳۳	تاریخ‌های کشمیر و گزارشات مربوط به تاریخ حوضه سند
۳۵	کتیبه‌ها
۳۵	سرستون شیر ماتورا
۳۷	سنگ‌نبشته تخت باهی
۳۸	استوپاها و گنجینه‌های درون آنها
۴۲	جواهردان باجور
۴۳	محوطه‌های باستانی و پهنه‌های سرزمینی هندوپارتیان
۴۳	سیستان
۴۴	کوه خواجه
۴۶	آی‌خانم
۴۶	کاپیسی (بگرام) و طلاتپه (تیلیاتپه)
۴۸	سرخ‌کتل

۴۸	تاکسیلا
۴۹	سکه‌ها
۵۵	تیب معارض
۵۶	سکه‌های «پس از مرگ» (سکه‌های نیابتی)
۵۷	مسئله «کم‌قدر کردن»
۵۸	بازضرب‌ها: پیروزی‌ها و شکست‌ها
۵۹	روایات ملی
۶۱	بهم‌نامه و کوش‌نامه
۶۲	جهانگیرنامه
۶۳	فرامرزن‌نامه و بانوگشسپ‌نامه
۶۴	گرشاسپ‌نامه
۶۴	برزونامه
۶۵	ویس و رامین
۶۶	نشان‌شناسی به مثابه ابزار مطالعه تاریخی
۶۶	امنیت و نشان: شرق و غرب
۶۸	ساحت امن غرب: یکجانشین‌ها و مستعین
۷۳	ساحت ناامن شرق: کوچ‌روها و خودکامه‌ها
۸۲	نشان‌شناسی ایران باستان
۹۳	فصل دوم: قدرت‌یابی هندوپارتیان در شرق
۹۵	جغرافیای سیاسی اتحادیه پارتی از قرن یکم پیش از میلاد تا فروپاشی اتحادیه در قرن سوم میلادی
۱۱۱	زوال هندوسکائیان و آغاز رویارویی هندوپارتیان و کوشان‌ها
۱۲۵	برآمدن هندوپارتیان
۱۲۵	گندوفارس (فریرز) *شاهنشاه*
۱۳۷	سنجش گاهشماری سنیور
۱۴۰	گد (گیو؟) / آرتاگن (بهرام) *شاه*
۱۴۴	سنت مادر سالاری
۱۵۴	پیوندهای احتمالی هندوپارتیان با سوراشر
۱۵۸	نگاهی به روایت اعمال توما
۱۶۰	اوبوزان (بیژن) *شاه*
۱۶۲	ابدگس یکم *شاهنشاه*
۱۶۷	ابدگس در «سالنامه‌های» تاسیتوس

۱۷۱	ساس (ساسان) * شاهنشاه *
۱۸۲	ساریدون * شاه *
۱۸۳	پاکور * شاهنشاه *
۱۹۵	فصل سوم: هندو پارتيان متأخر و ریشه‌های دودمانی ساسانیان
۱۹۷	سانابار * شاه *
۲۰۹	ابدگس دوم * شاهنشاه *
۲۱۳	فرن ساسان * شاهنشاه *
۲۲۱	سانابار، آذر ساسان، و فرن ساسان در نسب‌نامه‌های دوره اسلامی
۲۲۴	اکراد پارس و گندافره‌ها
۲۳۲	بلیه کاست
۲۴۳	فصل چهارم: قدرت‌یابی ساسانیان و تحلیل پایکیان در آنها
۲۴۵	از اردشیر پایکان تا بهرام سوم: تلاش پایکی‌ها برای قدرت
۲۵۲	پیوند پایکیان و گندافره‌ها (ساسانی‌ها) و مسائل شرعی - حقوقی مرتبط
۲۷۰	گفتمان خویدوده
۲۷۰	در اسباب خویشکای خویدوده
۲۷۲	تحلیل‌ها (بر گزاره‌های متناظر فوق)
۲۷۳	جمع‌بندی مبنای دیدگاه نگارنده
۲۷۷	حذف آبرومندان
۲۷۹	منابع مالی خیزش ساسانی
۲۸۳	زوال کوشانیان و تثبیت قدرت ساسانیان در شرق
۲۸۶	از نرسی تا شاپور دوم: تثبیت نام ساسانی
۲۹۴	مختصری درباره کوشانشاهان
۲۹۵	روایت «چچ‌نامه» از تاریخ حوضه سند در عهد ساسانیان
۳۰۲	سانسور بزرگ ساسانی
۳۱۳	خاکریز بزرگ پرده‌های آهنین ساسانی
۳۱۷	مسئله خدای متجسد در نقش برجسته‌های ساسانی متقدم
۳۱۹	در تفاوت «نام ایران» و «ایران سیاسی»
۳۳۱	فصل پنجم: جستاری در ریشه‌های تاریخی روایات ملی
۳۳۴	(۱) رویکرد ایرانی - هندی: اگر گندوفارس همان رستم باشد
۳۳۴	سکاها در روایات ملی

تاریخ سیاسی اتحادیه پارتی شلوغ و مشوش است:^۱ پرازرقیبان ریز و درشت تخت سلطنت، چهار شاه‌نشین (خاراسن، پرسیس، الیمایی، و ارمنستان) که گاهی مستقل و گاهی وابسته هستند، و دولت‌شهرهای^۲ سرکش سامی - یونانی بین‌النهرین در غرب آن قرار دارند. به بیان دیگر، اتحادیه پارتی از فدراسیون پادشاهی‌های کوچک، املاک خاندان‌های نجیب‌بزرگ، و بعضی شهرها و حکومت‌های خودمختار یا شبه - خودمختار تشکیل یافته بود.^۳ بخش عمده‌ای از تاریخ ایران اشکانی صحنه درگیری دربار با شاهک‌نشین‌های مرکزگرایز بوده است. در واقع، مفهوم پارت به عنوان امپراطوری جهانی

۱. قدما نیز در توصیف این اغتشاش آورده‌اند: «... و بی‌تکلف آنکه تواریخ ملوک فرس پیش از آل ساسان به غایت مضطرب است، و آنچه مورخان ایشان نبشتند مشحون به خرافات و هذیانات است.» (ابن عنبه، جمال‌الدین احمد. ۱۳۶۳. الفصول الفخریه، ص ۲۹). هرچند، مطالعات جدید نشانگر آن هستند که اضطراب یاد شده بیش از آنکه ناشی از خرافات و هذیانات باشد، ریشه در بدفهمی‌های زبانی و فرهنگی و دینی ادوار بعدی و از آن بالاتر دستکاری تاریخ توسط ساسانیان دارد.

۲. شماره شهرها در نواحی باختری به مراتب بیشتر از مرکز و حتی نواحی خاوری اتحادیه پارتی بود (کیان‌راد، خسرو. ۱۳۹۶. بازرگانی در روزگار اشکانیان، ۵۳).

۳. چه بر سکه‌های هندوپارتی و چه بر سکه‌های پرسیس و الیمایی و خاراسن نشانه‌های مستقیمی مبنی بر نوع رابطه با شاه اشکانی، و به طور کل با اتحادیه پارتی، با این حکومت‌ها یافت نمی‌شود؛*

(Qashqai, Hamidreza. 2017. *Indo-Parthian Descendants in the Sasanian Era*, pp1,2,4);

دلیل این امر تا حدی واضح است، شاه حاکم بر هر کدام از سرزمین‌های یاد شده تا آنجا که ملاحظات سیاسی و نظامی اجازه می‌داد، خود را همتراز یا حتی برتر از پادشاه اشکانی می‌پنداشت.

* شاه اشکانی هرگز بر این سه منطقه به طور مستقیم حکومت نکرد؛

(Simonetta, Alberto M. & Widemann, François. 1978. *The Chronology of the Gondopharean Dynasty*, p170).

را رومیان تبلیغ می کردند تا از این طریق موفقیت های سیاسی خود را برجسته کنند.^۱ لیکن باید در نظر داشت که سلسله مرکزی اتحادیه پارتی، یعنی اشکانیان، ضعیف بود و نه کلیت اتحادیه پارتی در سراسر ادوار آن.

پارت همیشه پرتنهاب همسایه ای حتی منقلب تر از خود داشت؛ شاهنشاهی هندوپارتیان. بنیانگذار این پادشاهی گندوفارس از خاندان گندوفار و این خاندان از دودمان سورن ها^۲ بود که شاه اشکانی در ابتدا این دودمان را به منقاد ساختن سکاها و بعداً جلوگیری از هجوم کوشانیان در شرق اتحادیه پارتی مأمور ساخته بود. گندوفارها مستقل از بقیه سورن ها به مطیع کردن سکاها توفیق یافتند ولی خود از اتحادیه مستقل شده و پادشاهی نوبنیاد هندوپارتیان را در سده نخست میلادی بنیان گذاشتند. حال سورن ها که می باید آسودگی خاطر شاه اشکانی از بخشی از مرزهای شرقی را تضمین می کردند با تأسیس پادشاهی هندوپارتیان به تهدیدی دائمی برای تاج و تخت او بدل شدند، تهدیدی که نهایتاً به یکی از علل منحل شدن اتحادیه پارتی در قرن سوم میلادی تبدیل شد.^۳

سرزمین های تختگاه هندوپارتیان زیر از شاهان و شاهک های معارض بوده است. آنها از جمله مردمانی با نام و ریشه ایرانی بودند که به سرزمین هندوستان وارد شدند.^۴ خاستگاه هندوپارتیان سیستان بود و آخرین سنگر آنان در برابر فشار کوشان ها از سوی

۱. نادری، فرشید. ۱۳۹۷. مبانی و ریشه های مشروعیت شاه در دوره اشکانی، ص ۱۱۲؛ دریورس، یان ویلم. ۱۳۹۲. آنچه استرابو درباره سرزمین پارت و اشکانیان نوشته است، ص ۴۴۳، پاورقی ۷۱.

۲. اساساً باید توجه داشت هنگامی که از دودمان هایی مانند کارن و سورن و مهران و... سخن به میان می آوریم تنها از یک خاندان معین با یک شاخه معین صحبت نمی کنیم، بلکه از دودمان هایی با شاخه های خاندانی متعدد در حال بحث هستیم.* در کتاب حاضر معنای دودمان وسیع تر از خاندان در نظر گرفته شده است و در برگزیده آن. برای مثال، ساسانی دودمان، پاپکی و گندافری خاندان در نظر گرفته شده اند. یعنی خاندان های پاپکی و گندافری عضوی از دودمان ساسانی هستند. هر خانواده نیز زیرشاخه یک خاندان است.

* برای نمونه به گواهی منابع ارمنی می دانیم دستکم دو شاخه در دودمان سورن پیدا شد به نام های سورن پارسی و سورن پهلوی که علت آن را به همکاری دودمان سورن با ساسانیان نسبت داده اند (گازرانی، ساقی. ۱۳۹۷. روایت های خاندان رستم و تاریخ نگاری ایرانی، ص ۴۳).

۳. به همین ترتیب، گازرانی معتقد است پارتیان سیستان از دودمان سلطنتی اشکانی نبوده اند، بلکه حاکمان پارتی قلمرو سیستان در قرن یکم میلادی به دودمان سورن تعلق داشته اند (همان، ص ۴۳).

4. Senior, R. C., 2011. *Indo-Parthians & Indo-Skythians*, p233;

برای نمونه، این احتمال وجود دارد زبانی نانوشته با ریشه ایرانی توسط سکاها و ولایت نگرهار در افغانستان کنونی به کار گرفته می شده است:

(Cribb, Joe, 2015. *Dating and Locating Mujatria and the Two Kharahostes*, p33).

شرق بازمهم همین سیستان بود. پژوهشگر زمانه اتحادیه پارتی اگر به دنبال ریشه‌های ایرانی و ایرانی‌گری می‌گردد آنها را بیشتر در سیستان پارسی خواهد یافت تا در بین‌النهرین سامی - یونانی.^۱ برای نمونه، از دیرباز در ماد آتروپاتن به خاطر سنت‌های به جا مانده از عصر آتروپات که ناشی از وفاداری او به اردوگاه مقدونیان بود، نظری خوش نسبت به هلنیسم وجود داشت.^۲ در واقع، سیمای اسکندر در غرب اتحادیه پارتی ناخوشایند نبود،^۳ ولی در شرق آن وضع دگرگون بود. نجبای شرق در عین متأثر بودن از فرهنگ هلنی، نظر چندان خوشی به یونانی‌مآبی نداشتند و از قرن نخست میلادی رو به فرهنگ‌هایی آوردند که در نهایت منجر به ایجاد گفتمان ساسانی شد. دگرگونی فلات ایران از سرزمینی زیر نفوذ یونانی‌گری به جامعه ایرانی بسیار در اثر فعالیت‌های حلقه‌های نجبا و در پاره‌ای موارد دستگاه سلطنت بود.^۴

ولسکی به نقل از فرای و در تکمیل دیدگاه وی به درستی اشاره کرده که پدیده‌هایی نو در عصر اشکانیان قابل مشاهده است. در این دوره «اسوارگری»^۵ ایرانی شروع به شکل‌گیری کرد. اسطوره‌های پهلوانی کهن در دربارهای نجبا به قالب تازه‌ای دست یافت و عناصر پارتی فراوان را برگرفت. در پیامد این وضع نام زبان پارتی به عنوان پهلوانان -

۱. حتی از دیدگاهی هنری - فرهنگی نیز بین‌النهرین از دیگر کشورهای سرزمینی پارت متفاوت است (شپیمان، کلاوس. ۱۳۹۰. مبانی تاریخ پارتیان، ص ۱۲۹).

2. Olbrycht, Marek. 2012. The Political-Military Strategy of Artabanos/Ardawān II in AD 34-37, p218.

۳. منابع اسلامی گزارش‌های نسبتاً کاملی از افسانه‌های اسکندر که از اثر کالیستنس برگرفته شده‌اند به دست می‌دهند، و این امر حکایت از آن دارد که در دوره ساسانی دو جنبه از داستان زندگی اسکندر دوشادوش هم رواج داشته‌اند. این امر نباید ما را به شگفتی وا دارد، چه در احساسات دوگانه ایرانیان کنونی در مورد فتوح عرب و نیز این حقیقت که بسیاری از ایرانیان نام چنگیز و هولاکو را که فاتحان مغول ایران بودند بر پسرانشان گذاشته‌اند، توازی می‌توان دید (یارشاطر، احسان. ۱۳۹۴. تاریخ ملی ایران، صص ۵۸۲ و ۵۸۳). سوبه دیگر بدگویی از عرب و مغول و کمتر اسکندر حاصل دیدگاه‌های ملی در دوران مدرن است. فاتحان بزرگ همواره برای جوامع پیشاملی محبوب و جاذب بودند. زیرا تاریخ بر مدار فاتحان می‌چرخید و نه بر مدار ملت‌ها. نباید از خاطر برد که دنیای قدیم ملک طلق فاتحان است و نه ملت‌ها، به همین خاطر است که اسکندر و چنگیزها قهرمانان هویت بخش قربانی‌های خود هستند. این نکته را نیز باید اضافه کرد که اسکندر بار دیگر پس از عصر هلنیستی در فلات ایران بعد از اسلام اوج گرفت چون دیگر دستگاه تبلیغات ساسانی وجود نداشت که بر علیه وی نفرت پراکنی کند.

۴. کالج، مالکوم. ۱۳۸۸. اشکانیان (پارتیان)، ص ۱۹۱.

۵. Ritterschaft : (= پهلوانی = شوالیه‌گری = شهنشاهی).

پهلوانیک تثبیت شد و اشکانیان در حکم پهلوانان نامیده شدند. شهبازی می‌انگارد که بزرگان پارتی همچون لردهای بزرگ انگلیسی در سده‌های چهاردهم و پانزدهم میلادی قلمرو، سپاه، دربار، و نشان خانوادگی داشتند، و در تاریخ روایی ایران در هیأت فتودال‌هایی که در خدمت شاهنشاهان کیانی هستند به ظهور درآمده‌اند.^۱

مقدم بر گستره‌های تحت سیطره اشکانیان، مناطق تحت استیلای کوشان‌ها و هندوسکاها و هندوپارتیان آبستن نوعی فرهنگ شهنشاهی بود،^۲ که این فرهنگ شهنشاهی در جای خود بسیار کهن‌تر از فرهنگ‌های مشابه در ژاپن و اروپا بوده است.^۳ بنا بر روند تاریخی با مهیا بودن زمینه‌های «امنیت تباری»^۴، فرهنگی شهنشاهانه در اروپا و ژاپن ایجاد شد که در بستر آن نشان‌ها پدید آمدند.^۵ از سرزمین‌های باختر تا آریانا و مناطق غربی هند خاندان‌های مختلف به طور همزمان بر این گستره حکم می‌راندند.^۶ چنین

1. Shabbazi, A. Sh. 1993. The Parthian Origins of the House of Rustam, p155.

ولسکی، یوزف. ۱۳۸۸. اشکانیان و ساسانیان، ص ۱۹۰.

۲. در توافق با این نظر بنگرید به: غنیمتی، سرور. و دیگران. ۱۳۸۲. کوه خواجه: مهمترین پرستشگاه زرتشتیان سیستان، ص ۹. همچنین در مآخذ پیش گفته به شباهت مهاراجه‌های راجستان هند با فرهنگ منطقه فوق‌الذکر اشاره گشته است که از لحاظ نشان‌شناسانه حائز اهمیت است. مؤلف تاریخ سیستان آورده است: «... این همه شهرها [در سیستان] به روزگار جاهلیت ادر فرمان پهلوانان و مرزبانان سیستان بودند تا روزگار اسلام که ولایت دیگرگون شد.» (تاریخ سیستان، ۱۳۹۲. تصحیح محمد تقی بهار، ص ۶۷).

۳. برای کلیاتی از فرهنگ شهنشاهی و رابطه آن با شکل‌گیری نشان‌ها در اروپا بنگرید به: کلانی، رضا. ۱۳۹۴. مقدمه‌ای بر تاریخ و مبانی نشان‌شناسی، صص ۲۹-۲۲، و برای ژاپن بنگرید به: دوتر، جان دبلیو. ۱۳۹۰. نشان‌های نمادین ژاپن، بخش دوم: صص ۳۰-۲۵؛ شهنشاهی پارتی ریشه در فرهنگ هندوسکایی غالب بر مناطق شرقی فلات ایران و به ویژه سرزمین‌های حائل هند و ایران داشته است. در عصر ساسانی نیز بزرگ‌زادگان پیوسته و حتی هنگامی که به ضیافت می‌رفتند آراسته به سلاح بودند. بر سر مسئله شرف و ناموس (نام و ننگ) با هم به جنگ برمی‌خواستند. اغلب بر سر زن یا تنها برای دست یافتن به دل بانوی خود زورآزمایی می‌کردند (مظاهری، علی اکبر. ۱۳۷۳. خانواده ایرانی در دوران پیش از اسلام، ص ۲۹۴). تمام اینها نشان از فرهنگی شهنشاهانه داشت.

۴. پیش از این درباره چیستی امنیت تباری و ارتباط آن با پدید آمدن نشان‌ها توضیحاتی داده‌ام، بنگرید به: کلانی، رضا. ۱۳۹۴. مقدمه‌ای بر تاریخ و مبانی نشان‌شناسی، صص ۲۲-۱۶؛ کلانی، رضا. ۱۳۹۶. تبار و نشان‌شناسی سواران ساسانی در نقش برجسته فیروزآباد، صص ۲۸-۲۵ و ۹۱ و ۹۲.

۵. پهلوانی و شوالیه‌گری و سامویرایی‌گری شاید در برون‌دادهای فرهنگی متفاوت باشند، اما هر سه ذاتاً از یک خمیره هستند.

۶. معیری، هایده. ۱۳۷۷. باختر به روایت تاریخ، ص ۶۰.